

تذکره آقای سراف

بهم راه
به نایب کل آورد

در بریندهای سنگی است که در آنم

از گذشته بزرگوارم

که ترا عاقلانه حودت هماد است

شب کوی ~~چرا~~ دارم

از زحمت ناسپاس

بوسه مال بر ما گنید

~~اما~~ کز نذر فانی که دردم میزدید

مردان در سینه؟ ناپدید میماند

حقیقت است که گذشته بزرگوار

اما نادر و یا دگرا می

آرزوی زینت در زمان

ضمانت اما بر می ماند

که بر می رود در آن زمان نیست

تا با گذشته آغشته ام

اما تقدیرها را بگویند

که در آن زمان نیست

تا محرومان کج خود است

انچه ما آن بر نوبت خود

~~انچه~~ ~~مردان~~ ~~ارزود~~ ~~است~~

که در آن نردونه تلف

~~بگذرد~~

آنقدر آرزد

آنقدر بر روی مال نیست

که این نردونه تلفت را

با آنه ترین ترانه برانهم پیش

~~تذکره آقای سراف~~

~~تذکره آقای سراف~~